

نامه حسین دوانی و سناریوسازیهای واواک:

با سلام و احترام

در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۷۸، دفتر آقای بنی صدر اطلاعیه‌ای، در مورد افشای جزئیات ترورهای جنایتکارانه رژیم علیه ذکر اندیشان صادر نموده است. اینجانب، به عنوان برادر، پیروز دوانی برای خود تنها صلاحیت اظهار نظر در مورد یکی از بندهای اطلاعیه مذکور که در مورد برادرم می‌باشد، قائل هستم. در بند مذکور آمده است که عوامل ترور، پیروز دوانی را در شب حادثه به درب منزل زنده یادان فروهرها می‌برند. و این او بوده است که زنگ را به صدا در می‌آورد. قاتلان پس از انجام جنایت، پیروز دوانی را با خود می‌برند... برابر اطلاع، دو روزی بعد از جنایت، به مادر او می‌گویند فرزندش کشته و دفن شده است. هنوز تحقیق ما در باره صحت این اطلاع، به نتیجه نرسیده است.

به عنوان خانواده پیروز، متوقع است که همه کسانی که در رابطه با مورد او موضع می‌گیرند (تکته‌ای که بدون تردید حسن هر فعال سیاسی است) و پیش از صدور هر اطلاعیه‌ای، با ما تماس بگیرند و اطلاعات خود را کنترل کنند.

مادر پیروز دوانی ۱۲ آگوست ۱۹۹۸، چهل روز قبل از جنایت و قتل زنده یادان، فروهرها و پس از تلفهای مشکوک که خبر کشته شدن او را می‌دهند، سکنه کرده و فوت نموده است. زنده یاد خانم پروانه اسکندری (فروهر) یک سال قبل از جنایت و کشته شدن به مناسبت چهلمین روز درگذشت مادر پیروز دوانی، با خانواده تماس گرفته و ضمن همدردی، آنها را به آزادی پیروز دوانی امیدواری میدهد.

در صفحه ۱۲

به این ترتیب، فروهرها یک روز قبل از کشته شدن می‌دانسته‌اند که پیروز همچنان در چنگال دژخیم اسیر است. و به همین دلیل ظهور فرضی پیروز در شب حادثه، در مقابل خانه آنها، نه تنها نمی‌توانسته عادی جلوه کند بلکه بسیار شگفت انگیز بوده است. با توجه به شرایط کشته شدن بختیار و قاسم‌لو که نمونه‌های مشابهی هستند، از طرف دیگر مأموران وزارت اطلاعات هم احتمال چنین شک و عدم باور به آزادی پیروز دوانی، از طرف زنده یادان فروهرها را در نظر می‌گیرند. آنهم در نیمه شب. بنا بر این، انتخاب پیروز دوانی برای این مقصود، بسدترین انتخاب بوده است و به احتمال قوی، آنها هم چنین شخصی را انتخاب نمی‌کرده‌اند و با توجه به مراجعین متعدد به خانه فروهرها، آنها می‌توانسته‌اند شخص مناسب‌تری را پیدا کنند. آیا شرایط زندگی در ایران فراموش شده است که مأمورین اطلاعاتی، سپاه و دیگر اسلحه بدستان برای ورود به خانه افراد احتیاج به هیچ کس و آشنائی ندارند.

به عنوان برادر پیروز دوانی، به هیچ عنوان دچار توهم نیستیم که او از آهن ساخته شده است. همه ما پس از تجربه‌های فراوان، باید آموخته باشیم که رژیم با انسان‌ها چه می‌کند. به آخرین جمله نامه مشهور فرج سرکوهی بیان داریم که نوشت: «زندگی من تا پیش از دستگیری شرافتمندانه بود...»

اما این به معنای آن نیست که هر فرضیه بدون پایه‌ای را بپذیریم. آیا رژیمی که مدت ۸ ماه است از طریق همه مراجع بین‌المللی و داخلی در زیر فشار است که در مورد پیروز دوانی اظهار نظر کند، در پی آن نیست که از طریق ارسال خبر نادرست به خارج از کشور، زمینه را برای نمایش جنایتکارانه بعدی خویش آماده سازد؟

صادق و هوشیار باشیم. حسین دوانی